

برخی از مربیان لیگ برتری خیلی زود در آستانه برکناری قرار گرفته‌اند

سایه سنگین اخراج!

فوتبال ایران همواره آبستن حوادث غیر مترقبه و درام‌های نفس گیر است. در مستطیل سبز، زمان مفهومی متفاوت دارد؛ گاهی یک فصل ۳۴ هفته‌ای به سرعت برق و باد می‌گذرد و گاهی تنها گذشت ۳ هفته از مسابقات، به اندازه یک عمر برای سرمربیان طول می‌کشد. لیگ بیست‌وششم با تمام هیاهوها آغاز شده و خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد، تیغ تیز انتقادات روی گردن برخی از مربیان قرار گرفته‌است. لیگ برتر فوتبال ایران در دوره بیست‌وششم خود، تنها ۳ هفته از مسیر طولانی و پریپیچ‌وخم خود را پشت سر گذاشته‌است.
باین حال، جدول رده‌بندی از همین حالا شگفتی‌های خود را به رخ می‌کشد. استقلال و تراکتور با کسب تمامی امتیازات ممکن و با امتیاز بر بام جدول تکیه زده‌اند، اما حضور گل گهر سیرجان و آلومینیوم اراک با ۷ امتیاز در رتبه‌های سوم و چهارم، نوید فصلی جذاب و غیر قابل پیش‌بینی را می‌دهد. در آن سسوی سکه، سیاهی و بحران خیلی زودتر از موعد خیمه زده‌است. چادر ملوارد کان به شکلی غیرمنتظره قعر نشین است و تیم‌های ریشه‌دارِ چون استقلال خوزستان، شمس آذر قزوین و نساجی مازندران تنها با داشت یک امتیاز در منطقه قرمز دست‌وپا می‌زنند. اما فراتر از اعداد و ارقام جدول، آنچه در این روزها فضای فوتبال ایران را مآلتهب کرده، صدای اعتراضات سکوهاست. هواداران برخی تیم‌ها خیلی زودتر از حد معمول کلسه صبرشان لبریز شده و شعار آشنا و زهرآگین «حیاکن، رها کن» را در روزرنگشاه طنین‌انداز کرده‌اند؛ شعاری که زنگ خطر تغییرات زود هنگام روی نیمکت‌ها را به‌صدا درآورده‌است.

محمد نوری و جهنم داغ آبادان: در خط مقدم این بحران، نام یک مربی جوان و کم‌تجربه به چشم می‌خورد؛ محمدنوری هافبک پیشین و خوش نقش پرسپولیس که

در اولین چالش جدی دوران سرمربیگری‌اش، سکان هدایت

برزین ایران را در دست گرفته‌است، این روزها در کانون طوفان قرار دارد. صنعت نفت آبادان، تیمی که با هواداران پرشور و متعصبش شناخته می‌شود، هرگز محیطی آرام برای آزمون و خطا نبوده‌است. نوری در ۳ هفته ابتدایی تنها موفق به کسب ۲ امتیاز شده و نمایش‌های تیمش چنگی به دل زده‌است. اما نقطه جوش این بحران، شکست سنگین و تحقیرآمیز با گل در دربی حساس استان خوزستان بود. شکستی که غرور هواداران آبادانی را چرخ‌بدر کرد و باعث شد تا انتقادات با شدت بی‌سابقه‌ای روانه کادر فنی شود. انتشار یک ویدئوی جنجالی از درون رختکن صنعت نفت و صحبت‌های نوری، یزن بن بر آتش این خشم ریخت و حواشی را به‌اوج رساند. شعارهای تندسکوها نشان می‌دهد که ماه عسل نوری و صنعت نفت خیلی زود به پایان رسیده‌است. اخبار موفق از راهروهای باشگاه حاکی از آن است که مدیران به این مربی جوان اونیستیا تویم‌های راداده‌اند؛ یا پیروزی در هفته چهارم مقابل مس شهر یابک، یا دریافت بلیت یک‌طرفه خروج از آبادان.

فراز کمالوند؛ بازگشتی که هنوز طلایی نشد: داستان در لرستان رنگ و بوی دیگری دارد. فراز کمالوند، سرمربی باتجربه و کهنه کار فوتبال ایران که

سابقه صعودهای تاریخی را در کارنامه دارد، این بار روی نیمکت خیبر خرم‌آباد با چالش‌سی متفاوت روبه‌رو شده‌است. خیبر که فصل را با امیدهای فراوان آغاز کرد، در دو هفته نخست موفق به کسب امتیاز شد و تا حدودی توانست آرامش را حفظ کند. اما نخستین شکست فصل در هفته سوم مقابل پیکان، به مثابه جرقه‌ای در انبار باروت بود. هواداران خیبر که انتظارات بالایی از تیم محبوب‌شان دارند، بلافاصله پس از سوت پایان بازی با پیکان، موضع سفت و سختی علیه کمالوند اتخاذ کردند. نمایش‌های نه چندان دلچسب و فقدان انسجام تاکتیکی، بهانه اصلی این اعتراضات زود هنگام بود. اما بر خلاف آبادان، در خرم‌آباد تقابل جالبی میان احساسات هواداری و منطق مدیریتی شکل گرفته‌است. در حالی که سکوها خواستار تغییر هستند، مدیران باشگاه خیبر با رویکردی صبورانه، قصد تصمیم‌گیری عجولانه ندارند. اما همان‌قدرند که برای قضاوت عادلانه در مورد عملکرد یک مربی، ۳ هفته بسیار اندکی است و باید به کمالوند فرصت داد تا ایده‌هایش را در تیم پیاده کند. این تضاد میان هوادار عجول و مدیر صبور، سرنوشته نیمکت خیبر را در هفته‌های آینده به یکی از جذاب‌ترین داستان‌های لیگ تبدیل کرده‌است.

محرم نویدکیا؛ وقتی اسطوره خرد می‌شود: انتقادات خرد می‌شود: تراژدی‌ک‌ترین پسرده از این نمایش، در نصف جهان در حال آکراسن است. محرم

نوید کیا، اسطوره بی‌بدیل و نماد تعصب باشگاه سپاهان، این روزها در شرایطی قرار گرفته که شاید هرگز تصور آن را نمی‌کرد. سپاهان لیگ را با یک پیروزی و حبه بخش برابر چادر ملو آغاز کرد تا نوید روزهای آفتابی را بدهد. اما ۲ تقابل بزرگ و سرنوشته‌ساز مقابل مدعیان اصلی قهرمانی، یعنی تراکتور و استقلال، به کابوسیی بزرگ برای محرم و شاگردانش تبدیل شد. شکست در این دوبازی، آمار وحشتناک و نگران‌کننده‌ای را برای نوید کیا به ثبت رساند؛ ۷ باخت پیاپی در ۷ رویارویی اخیر با تیم‌های مطرح و مدعی لیگ. این آمار تلخ، زره اسطوره‌ای محرم را شکافت و هواداران طلایی‌پوش را که همواره حامی بی‌قیدو شرط او بودند، را به واکنش کرد. شعارها علیه نوید کیا، بیش از آنکه از سر خشم باشد، از سر استیصال و دل‌شکستگی است. هوادارانی که روزگاری با نام او به وجد می‌آمدند، حالا با ششمانی اشک‌بار خواستار کناره‌گیری‌اش هستند.
باین حال، هیئت مدیره سپاهان در اقدامی قابل تأمل، مسیر بلای سرمربی خود شده و رسماً از نوید کیا حمایت کرده‌است. اما همه می‌دانند که در فوتبال، هیچ حمایتی دائمی نیست. سایه سنگین هفته چهارم و دیدار دشوار با تیم آماده گل گهر سیرجان، بر سر سپاهان سنگینی می‌کند. نتیجه این مسابقه می‌تواند نقطه عطفی در دوران رهگیری نوید کیا باشد؛ دیداری که سرنوشته ادامه حضور این اسطور ه را روی نیمکت تیم محبوبش رقم خواهد زد.

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیر مسئول: مسعود حیدری
زیر نظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

تمدید قرارداد تا جام ملت‌ها، جایزه تاج به امیر قلعه‌نویی پس از ناکامی در جام جهانی بود

ژنرال و پاداشی دیگر



آزیا طاری

عقربه‌های ساعت در ساختمان ستول، مدت‌هاست که به خواب رفته‌اند؛ شاید از همان روزی که فوتبال ایران تصمیم گرفت به جای پیشرفت در زمین چمن، در اتاق‌های در بسته و با صدور بیانیه‌های حماسی به حیات خود ادامه دهد. صبح روز چهارشنبه، چهارم شهریور ماه ۱۴۰۵، بار دیگر درهای فدراسیون فوتبال به روی نمایش باز شد که با پیش‌راحتی کودکی که تازه الفبای فوتبال را آموخته، از هفته‌ها پیش می‌دانست.

جلسه هیئت‌رئیس به برای بررسی سرنوشت نیمکت تیم ملی، تنها یک تشریف‌اتذاری خسته‌کننده بود؛ یک فرمالیته تمام‌عیار برای مشروعیت بخشیدن به تصمیمی که از قبل، در گدغه‌های دوستانه و لیخنده‌های فاتحانه مهدی تاج و امیر قلعه‌نویی گرفته شده بود. خروجی جلسه؟ ابقای مشروط قلعه‌نویی تا پایان جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷. برای درک عمق فاجعه و طنز تلخ نهفته در این تیتز خبری، باید کمی به عقب برگردیم و پاژل‌های این ساختار بیمار را کنار هم بچینیم. مگه قرار بود اتفاقی غیر از این رخ بدهد؟ در ساختاری که مهدی تاج با اعتماد به نفسی مثال‌زدنی بر صندلی ریاست تکیه زده و هدایت ممبینی، دبیر کلی که شاهکار مدیریت و برنامه‌ریزی‌اش در افتضاح تورنمنت سه‌جانبه هنوز در حافظه تاریخی فوتبال ایران می‌سوزد، همچنان با قدرت رهاگش را سفت چسبیده، آیا انتظار طلوع یک خورشید تازه بر نیمکت تیم ملی، انتظاری عبث نبود؟

اتفاق روز

سایه روشن‌های یک یاغی خاموش

معمای اورونوف

نازنین دشتی

فوتبال همیشه راوی قصه‌هایی است که در مستطیل سبیز آغاز می‌شوند، اما روی نیمکت‌ها، در راهروهای رختکن و این روزها در صفحات شبکه‌های اجتماعی به نقطه جوش می‌رسند. پرسپولیس لیگ بیست‌وششم، تیمی که با مهدی تار تار سودای تکرار روزهای طلایی را در سر می‌پروراند، حالا در گیر یکی از همین قصه‌های پر التهاب شده‌است.

در مرکز این میدان مین، ۲ چهره ایستاده‌اند؛ سرمربی با انگیزه‌ای که می‌خواهد اقتدارش را دیکته کند، و ستاره‌ای از یکستانی که عادت کرده قهرمان بی‌چون‌وچرای سکوها باشد. داستان اختلاف مهدی تار تار و اوستون اورونوف، دیگر یک شایعه در گوشه در راهروهای ورزشگاه شهید کاظمی نیست؛ این یک تقابل علنی است که حالا به نقطه اوج خود، یعنی مصدوم‌نمایی و تذکب رسیده‌است.

پرده اول: قهرمانی که به نیمکت بیچ شد
برای هواداران پرسپولیس، اوستون اورونوف تنها یک بازیکن خارجی نیست؛ او معمار بخش مهمی از آخرین قهرمانی آن‌ها در لیگ برتر است. بازیکنی که هر گاه توپ زیر پایش می‌چرخید، بوی گل و موقعیت در استادیوم می‌پیچید. وقتی سوت آژ لیگ بیست‌وششم به صدا درآمد، همه منتظر بودند تا بار دیگر رقص پای‌های این ستاره از یک‌را در ترکیب اصلی ببینند.

پیش‌فصل همه چیز عادی به نظر می‌رسید و اورونوف با آمادگی نسبتاً خوبی در تمرینات ظاهر شده بود، اما تفکرات سرمربی جدید، مسیر دیگری را ترسیم کرده بود. در ایستگاه اول و تقابل با شمس آذر قزوین، یک اتفاق غیرمنتظره رخ داد؛ اورونوف ۹۰ دقیقه تمام روی نیمکت نشست. تار تار حتی یک دقیقه هم به ستاره تیمش فرصت نداد. پرسپولیس بازی را بر دو نمایش هجومی تیم باعث شد تا غیبت اورونوف زیر سایه پیروزی و تعریف و تمجیدها از سبک بازی تار تار پنهان بماند.

در هفته دوم برابر استقلال خوزستان، یخ این نیمکت‌نشینی کمی آب شد. اورونوف از دقیقه ۶۳ به میدان رفت و در همان زمان، محدود هم کیفیت تلخ قابل‌قبولی از خود را نه داد. بسیاری تصور کردند که این تعویض، پایان دوران کوتاه تنبیه یا عدم آمادگی ستاره از یک‌است و او به زودی به ترکیب فیکس باز خواهد گشت. اما فوتبال، بازی لحظه‌های غافلگیرکننده‌است.

پرده دوم: آتشی که زیر خاکستر شعله‌ور شد
آزمون واقعی مهدی تار تار در هفته سوم فرا رسید؛ جایی که پرسپولیس باید در تبریز به مصاف تراکتور می‌رفت. یکی از مهم‌ترین سرنوشته‌سازترین دیدارهای نیم‌فصل، بر خلاف بازی ابتدایی که سرخ‌پوشان در فاز هجومی در خشان ظاهر شده بودند، ماشین گلزنی پرسپولیس در تبریز از کار افتاد. تیم تار تار در خلق موقعیت ناکام بود و در نهایت، در اولین لحظات مسابقه، با دریافت یک گل در هت‌هام، دست خالی و بدون حتی یک امتیاز زمین را ترک کرد.

چاپ: کار و کارگر ۱۷۳۱۷۶۶۸۱
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseeirani.ir
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
ایمیل: tosee_irani@tosee.ir
اینستاگرام: @tosee_irani

شماره ۲۲۵۹ / پنجشنبه ۵ شهر یور ۱۴۰۵ / ۱۴ ربیع الاول ۱۴۴۸ / ۲۷ آگوست ۲۰۲۶

بتواند در یک فضای آرام‌تر، سناریوی از پیش نوشته شده خود را اجرا کند. و چه سناریوی مضحکی! در خبرها آمده‌است که امیر قلعه‌نویی با همراهی دستیار همیشگی‌اش، سعید الهویی، در این نشست حاضر شده و در کمال شگفتی، پیشنهاد اولیه او تمدید قرارداد تا پایان جام جهانی ۲۰۳۰ بوده‌است!
باید این جمله را چندبار در ذهن مرور کرد تا به عمق فاجعه پی برد. سرمربی تیمی که در یک تورنمنت ۴۸ تیمی نتوانسته حتی به عنوان تیم سوم از گروهش صعود کند، به جای اینکه با سرافکندگی کلید اتاقتش در کمپ تیم‌های ملی را تحویل دهد، در جلسه ازبایی عملکردش، طلبکارانه خواهان قراردادی ۴ساله تا جام جهانی بعدی می‌شود! این حجم از اعتماد به نفس کاذب و این میزان از بی‌تفاوتی نسبت به کارنامه رفوزه شده، تنها در اتمسفر فوتبال ایران امکان‌پذیر است؛ جایی که شکست‌ها نه تنها جریمه ندارند، بلکه با پاداش‌های نجومی و تمدید قرارداد جبران می‌شوند.

هیئت‌رئیس فدراسیون نیز که ظاهر ا می‌خواسته نقش یک نهاد تصمیم‌گیرنده مستقل را بازی کند، باین ایده مخالفت کرده و به یک راهکار مشروط‌ر سیده‌است؛ تمدید تا پایان جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷. و در صورت رسیدن به فینال یا قهرمانی، تمدید خودکار تا جام جهانی ۲۰۳۰. این مدیر فدراسیون مهدی تاج، سرنوشته مهم‌ترین رویدادهای پیش‌روی فوتبال ایران را به دست کسی سپرده که همین چندماه پیش، بزرگ‌ترین فرصت تاریخی‌ما در جام‌جهانی را با تفکرات کهنه خود به باد داد. اما بخش کم‌دی-تراژیک ماجرا، بند مربوط به تغییر دستیاران است. اعضای هیئت‌رئیس که ظاهر ا انتقادات رسانه‌ها و افکار عمومی نسبت به کادر فنی ضعیف تیم ملی آگاه بودند، با فشاری کرده‌اند که دستیاران قلعه‌نویی باید تغییر کنند. این یک تاکتیک کلاسیک در مدیریت بحران مدل ایرانی است؛ قربانی کردن مهره‌های کوچک برای حفظ پادشاه. آیا مشکل تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶، صرفاً حضور افرادی مانند سعید الهویی-روی نیمکت بود؟ آیا فقدان استراتژی، تعویض‌های اشتباه، عدم شناخت از حریفان و بازی خوانی ضعیف، تنها به گردن دستیاران است؟ تغییر دستیاران در حالی که تفکر اصلی حاکم بر نیمکت ثابت می‌ماند،

فرصت دیگر برای بازسازی و تغییر نسل در تیم ملی است. ما با همین فرمان، با همین بهانه‌ها و با همین مدیران، به استقبال جام ملت‌های عربستان خواهیم رفت و احتمالاً پس از یک ناکامی دیگر در برابر قدرت‌های نوظهور و سازمان یافته‌ای آسیا، دوباره شاهد مصاحبه‌های آتشین، مقصر دانستن داوور، زمین، زمان و البته، تمدید مشروط برای یک تورنمنت دیگر خواهیم بود! اینجـا فوتبال ایران است؛ جایی که مرودمی‌ها، شاگرد اول‌های کلاس مدیریت می‌شوند و پاداش نابودی رویاهای یک

کردن رنگ دیوارهای خانه‌ای است
کلاب با یبست آن ویران شده‌است.
فدراسیون با این کار، تنها یک ژست اصلاح طلبانه به خود گرفته تادهان منتقدان را ببندد

اما چیزی که بیشتر از نتیجه هواداران را آزار داد، اتفاقات روی نیمکت بود. در روزی که گره بازی کور شده بود و تیم به شدت به خلاقت و تکنیک فردی نیاز داشت، اورونوف

باز هم حتی یک بازیکن سرزای پیدا نکرد. او تمام مدت از روی نیمکت، فروپاشی تیمش را تماشا کرد. مهدی تار تار در نشست خبری پس از بازی، در پاسخ به رگبار سوالات خبرنگاران درباره دلیل بازی نکردن اورونوف، با چهره‌ای جدی تنها به یک جمله بسنده کرد؛ این یک تصمیم فنی بود.

همین چند کلمه کافی بود تا مشخص شود هیچ مصدومیتی در کار نیست. تار تار، باین اظهار نظر، آگاهانه و با اقتدار نشان داد که کنار گذاشتن ستاره از یکستانی، نه به دلیل مشکل جسمانی، بلکه یک انتخاب کاملاً شخصی و فنی است. این جمله، زنگ آغاز یک جنگ سرد در اردوگاه سرخ بود.

پرده سوم: آغاز جنگ رسانه‌ای
ترکش‌های شکست در تبریز و فشارهای هواداری بابت نیمکت‌نشینی اورونوف، مدیریت بحران را در باشگاه پرسپولیس فعال کرد. کادرفنی و مسئولان تیم به خوبی می‌دانستند فقدان این ستاره می‌تواند جایگاه تار تار را روی سکوها متزلزل کند. تلاش کردند تا اوضاع را آرام جلوه دهند. جرقه انفجار زمانی زده شد که تیم اصلی پرسپولیس در یک دیدار تدارکاتی به مصاف تیم امید باشگاه رفت.

در جریان این بازی، اورونوف تعویض شد و جای خود را به پوریا شهرآبادی داد. بلافاصله پس از این تعویض، رسانه رسمی باشگاه پرسپولیس در خبری اعلام کرد که ستاره از یکستانی دچار مصدومیت شده‌است. یک ستار یویی بی‌نقص برای توجیه غیبت‌های او و کاهش فشارهای رسانه‌ای روی کادرفنی، اسـان‌ها یک متغیر مهم را در نظر نگرفته بودند؛ روحیه یاغی‌گری اورونوف. تنها چند ساعت پس از انتشار این خبر از سوی باشگاه، اوستون اورونوف گوشه‌ای موبایل خود را

چاپ: کار و کارگر ۱۷۳۱۷۶۶۸۱
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseeirani.ir
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
ایمیل: toseeirani@gmail.com

شماره ۲۲۵۹ / پنجشنبه ۵ شهر یور ۱۴۰۵ / ۱۴ ربیع الاول ۱۴۴۸ / ۲۷ آگوست ۲۰۲۶

شبیبه به عوض کردن رنگ دیوارهای خانه‌ای است که پایه‌بست آن ویران شده‌است. فدراسیون با این کار، تنها یک ژست اصلاح طلبانه به خود گرفته تادهان منتقدان را ببندد. به زودی چند چهره جدید، احتمالاً با نام‌های دهان‌پرکن، به کادر فنی اضافه می‌شوند، اما همه می‌دانند که در سیستم فکری امیر قلعه‌نویی، حرف اول و آخر را اشخص او می‌زند و دستیاران، غالباً نقش تاییدکننده و اجراکننده دستورات او را دارند. این تغییرات فرمایشی، دردی از دره‌های تاکتیکی تیم ملی دوا نخواهد کرد.

مسئله آخر دهنده‌تر در این میان، بحث مالی ماجراست. ژنرال و کادرش، پیش از این برای نتایجی که به هیچ‌وجه قابل دفاع نیست، پاداش‌های میلیاردی خود را دریافت کرده‌اند. در شرایطی که باشگاه‌های لیگ برتر (همان لیگ برتر خلیج فارس که ادعای پویایی‌اش گوش فلک را کر کرده) درگیر ابتدایی‌ترین مشکلات زیرساختی هستند، در شرایطی که هنوز برای برگزاری دربی پایتخت آوارهای این شهر و آن شهر می‌شویم و در روزهایی که استعدادهای ناب فوتبال ایران به دلیل نبود امکانات هرز می‌روند، بودجه‌های کلان ملی صرف دستمزدها و پاداش‌های کادری می‌شود که خروجی‌اش، حذف فخت‌سار از جام جهانی و پناه بردن به بهانه‌های واهی مانند گل آفساید به مصر است. این تمدید قرارداد، یک دهن کجی آشکار به افکار عمومی، رسانه‌های مستقل و کارشناسانی است که با ادله فنی، ضعف‌های ساختاری تیم ملی را فریاد زدند. فدراسیون مهدی تاج با این تصمیم نشان داد که برای آن‌ها، حفظ حلقه یاران و ایجاد یک حاشیه امن مدیریتی، بسیار مهم‌تر از توسعه فوتبال و کسب افتخار در عرصه‌های بین‌المللی است. آن‌ها تر ترجیح می‌دهند با قلعه‌نویی بمانند، چون او بخشی از همین سیستم است؛ سیستمی که به جای پاسخگویی، فرافکنی می‌کند و به جای پذیرش شکست، تئوری توطئه می‌سازد.

فوتبال ایران امروز در یک دور باطل گرفتار شده‌است. لبگی که خروجی آن بازیکنان را به سن گذاشته و بی‌انگیزه است، مدیران ناتوانی که صندلی‌های ریاست را ارتز پدری خود می‌دانند و نیمکتی که به تسخیر تفکرات دهه هشتاد شسمی در آمده‌است. تمدید قرارداد امیر قلعه‌نویی تا جام ملت‌های ۲۰۲۷، به معنای سوزاندن یک فرصت دیگر برای بازسازی و تغییر نسل در تیم ملی است. ما با همین فرمان، با همین بهانه‌ها و با همین مدیران، به استقبال جام ملت‌های عربستان خواهیم رفت و احتمالاً پس از یک ناکامی دیگر در برابر قدرت‌های نوظهور و سازمان یافته‌ای آسیا، دوباره شاهد مصاحبه‌های آتشین، مقصر دانستن داوور، زمین، زمان و البته، تمدید مشروط برای یک تورنمنت دیگر خواهیم بود! اینجـا فوتبال ایران است؛ جایی که مرودمی‌ها، شاگرد اول‌های کلاس مدیریت می‌شوند و پاداش نابودی رویاهای یک

کردن رنگ دیوارهای خانه‌ای است
کلاب با یبست آن ویران شده‌است.
فدراسیون با این کار، تنها یک ژست اصلاح طلبانه به خود گرفته تادهان منتقدان را ببندد

برداشت و بازی را به فضای مجازی کشاند. او با انتشار پیامی صریح و بی‌پرده در صفحه اینستاگرام شخصی‌اش، روی تمام ادعاهای باشگاه شکاف بطان کشید. پیام اورونوف کوتاه‌اما ویرانگر بود؛ و اعلام کرد که در سلامت کامل به سر می‌برد، هیچ مصدومیتی ندارد و کاملاً آماده‌است تا برای پرسپولیس به میدان برود. این تذکیبیه تند، پرده‌ها را لایحاخت.

مصدوم‌نمایی باشگاه به عنوان یک سیر رسانه‌ای ناکارآمد شد و شکاف عمیق میان

بازیکن و کادرفنی به وضوح در برابر چشمان میلیون‌ها هوادار عیان گردید. حال دیگر همه می‌دانستند که مشکل، نه در عضلات اورونوف، بلکه در تفکرات و شاید اختلافات

پنهان او با سرمربی تیم است.

پرده آخر: شنبه سرنوشت‌ساز

حالا پرسپولیس با کوهی از حاشیه و یک شکست تلخ به تهران بازگشته‌است. روز شنبه هفته آینده، روز رشادشده‌ای شهر قدس میزان تقابل سرخ‌پوشان پایتخت با ملولان بندرانزلی خواهد بود. دیداری که حالا فراتر از یک مسابقه فوتبال، به یک داد‌گاه تاکتیکی برای مهدی تار تار تبدیل شده‌است.

از یک سو، نمایش هجومی ضعیف و ناامیدکننده تیم در تبریز، نیاز به تغییرات فوری در خط حمله را فرامی‌دند. از سوی دیگر، پیام اینستاگرامی اورونوف، توپ را به زمین سرمربی انداخته‌است. هواداران به شدت منتظرند ببینند آیا مهدی تار تار حاضر است به خاطر منافع تیم و فرار از بحران نتیجه‌گیری، از تصمیم فنی خود عقب‌نشینی کندو ستاره یاغی خود را به ترکیب اصلی بازگرداند؟ یا اینکه با رصول خود با فشاری کرده و ریسک بازی بدون یکی از تاثیرگذارترین بازیکنان لیگ را به جان می‌خرد؟

سنارن‌های احتمالی پیش‌رو به این صورت خواهد بود؛ با عقب‌نشینی مصلحتی که تار تار با بازگرداندن اورونوف به ترکیب اصلی، تلاش می‌کند بار هجومی تیم را افزایش داده و از فشار هواداران بکاهد و یا با فشاری بر دیسیپلین‌که در آن تار تار اورونوف را مجدداً نیمکت‌نشین می‌کند تا نشان دهد در تیم او، نامه‌ها بازی نمی‌کنندو نظم تیمی از هر بازیکنی بزرگ‌تر است (تصمیمی که در صورت عدم نتیجه‌گیری برابر ملوان، می‌تواند برای او بسیار گران تمام شود).

یک سناریو دیگر هم آتش‌بس موقت خواهد بود؛ حضور اورونوف به عنوان بازیکن جانشین در نیمه دوم، به عنوان یک راهکار بینابینی برای حفظ اقتدار مربی و استفاده از توانایی بازیکن. آنچه مسلم است، دوران کتمان به پایان رسیده‌است. داستان مهدی تار تار و اوستون اورونوف، دیگر با کلماتی مثل ناآمدگی و مصدومیت جزئی لا پوشانی نمی‌شود. مستطیل سبز شهر قدس، روز شنبه نه تنها شاهد یک مسابقه فوتبال، بلکه صحنه رونمایی از برنده این دوئل نفس گیر خواهد بود؛ جایی که مشخص می‌شود در این بازی شطرنج، پادشاه نیمکت مات خواهد شد یا رخ مستطیل سبز؟